داکتر سید خلیل الله هاشمیان
۲۰۱۶/۰۴/۱۱

ایرانیها مارا مجبور بعکس العمل ساختند!

وقتی عنوان مقالهٔ استاد مسعود فارانی "صبروسطحی نگری ما را بکجا کشاند؟ " را خواندم، خواستم آنراباعنوان دیگری (شلاقها توام باغصب وتحقیرمارامجبور بعکس العمل ساخت !) افاده کنم، ودلیل آنرامبتنی برتجربهٔ شخص خودم ذیلا بعرض میرسانم:

درمکتب ازصنف اول که عنوان کتاب آن "قرائت فارسی" بود تا صنف 9 همین عنوان باکمی تغییر تدریس میشد– ازصنف 10 تا12 عنوان مضمون به (ادبیات فارسی)تبدیل گردید- جراید ومجلات وهر قدر آثار خواندنی که میسربود،همه عنوان(فارسی) داشت. یگانه (رادیو کابل) اخبار را بزبان (فارسی) قرائت میکرد- درپوهنتون، حتی درپوهنحی ادبیات درسالهای اول تاسیس آن نام (فارسی) رایج بود ودرمقابل آن حساسیتی تبارز نکرده بود- اما ایرانیها درمقابل پوهنتون کابل، این یگانه کانون علمی افغانستان، به لجاجت پرداختند – نشرات ایرانی به خودنگری وخودستایی پرداختند وهمه دار وندار فرهنگی ما را قباله کردند؛ افغانستان را "فلات ایران" و تاریخ و سلطنتهای افغانستان را جزء وتابع ایران قلمداد نمودند. زبان (فارسی) راهم مال ومولود خودشمردند. اینکه نام کانون علمی افغانستان یک کلمهٔ پشتو بود، وازجانب دیگر دردههٔ 40 میلادی دولت وقت به تعلیم وتربیهٔ زبان پشتو متوجه شده بود، ایرانیها به حسادت وضدیت شروع کردند. استادان پوهنتون در همه پوهنځی ها بدفاع از هویت افغانی برخاستند. ازآنجمله مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی که در پوهنحی ادبیات مضامین تاریخ و ادبیات را تدریس میکرد، مجبور ساخته شد درمقابل مدعیات دروغین ایرانیها، حقایق مستند تاریخی را برخ شان بکشد. مرحوم پوهاندحبیبی در سال 1348 مقاله ای در جریدهٔ(مساوات) تحت عنوان "تاراج تاریخ : یک محاسبهٔ تاریخی با مدعیان مفاخر بیست وپنج قرنه" نشرکرد واز ایرانیها تقاضا نمود درمقابل این محاسبهٔ افغانها حساب خود را روشن سازند- از آن تاریخ تا امروز ایران به این مقاله جواب نداده است ! چند پاراگراف آن مقاله را ذیلا اقتباس میکنم:

" درتاریخ داستانی که درکتب قدیم مردم آرین مانند (ویدا) و(اوستا) وکتب پهلوی وسیرملوک (شاهنامه ها) آمده، همواره مراکز مدنیت آرایی ها درخاک افغانستان بوده، مانند بلخ و زرنگ وبلاد مجاری هلمند و هرات وغیره که مردم این سرزمینها وشاهان وپهلوانان آن مانند (جم)،(فریدون)،(قباد)،(رستم) وغیره درهمین سرزمینهای بلخ وسیستان وزابل وکابل مرکزیت داشته وبه نشرو تلقین مدنیت باستانی و آیین (مزدیسنا) به ایرانیان کنونی پرداخته اند. پس به اعتبار این دورهٔ داستانی که باید قبل از تاریخ شمرده شود، اجداد همین مردم افغانستان بودند که آیین پندار وگفتار و کردار نیکو را بااصول مدنیت وشاهی به ایرانیان کنونی آموختند ودرفشهای شاهی هم از فراز (وهاره) بلخ افراشته شد، نه از تهران یا همدان یا شیراز یا اصفهان !

نشسته شهنشاه با آفرین به تخت شهی بر، به بلخ گزین

شما به وندیدات کتاب آوستا وشاهنامهٔ فردوسی و گرشاسپ نامهٔ اسدی وکتب سیرملوک عربی رجوع کنید، درآن خواهید دیدکه چگونه ریشه های مدنیت آرین دربلاد افغانستان نشرونما میکند، واین مردم دربلخ شهرنشین میشوند و از دورهٔ حیات خانه بدوشی و کوچی گری به شهر نشینی میرسند و در تحت نظام شاهی می آیند ومدنیت وشایستگی را بهر سو می پراگنند. درداستانهای این دوره که محل وقوع آن بلخ وکابلستان وزابلستان ومجاری هلمند وسیستان وهرات است، نامهای این بلاد چنین مذکور میگردد :

زرنج و همه غور و زابلستان هم از بلخ تا بوم کابلستان (گرشاسپ نامه) ...

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

دردورۀ اسلامی همواره مراکز قدرت نزدمردم افغانستان بوده واز اینجا بر اراضی وسیع ایران کنونی حکم رانده اند، به این تفصیل :

الف) حکمرانی طاهریان فوشنج هرات از 205 تا 295 ق.
ب) حکمرانی صفاریان زرنج نیمروز و وادی هلمند از 274 تا 393 ق.
ج) حکمرانی سامانیان بلخی از 279 تا 389 ق.
د) سلطنت غرنویان از غزنه 351 تا 583 ق. ...
باین حساب اگرسلطۀ شاهان ایران باوقفه ها وخلاها درطول بیست وسه قرن (2300 سال)، فقط پنج قرن (500 سال) آنهم بریک قسمتی ازین خاک (افغانستان) بوده، سلطنت هشت قرنۀ (800 سالۀ) ما برآنها با وقفه ها وخلاها وتسلسل از 200 قمری تا 1200 قمری ثابت است.... "

(اعداد بین قوسین را هاشمیان اضافه کرده – متن کامل این مقاله تاحال چند بار درین پورتال نشر شده و در آرشیف نویسندگان موجود است – افغانها باید این مقاله رابخوانند.)

بعدازنشرمقالۀ پوهاندحبیبی، افغانها درهرساحه بدفاع از حقوق وهویت ملی وتاریخی خود برخاستند، ازآنجمله درپوهنځی ادبیات نام (دپارتمنت زبان فارسی) به (دپارتمنت زبان وادبیات دری) تغییرکرد واستادان خودشان، بدون آنکه کدام امری ازمقامات صادرشده باشد، مقالات زیادی درمجلۀ (ادب) وهم درجراید نشرکردند ودر لکچرها ونوشته ها نام (دری) جای نام (فارسی) راگرفت؛ البته درتلفظ عوام هنوزهم کلمۀ (فارسی) وجود داشت، اما نام (دری) بار اول بوفرت بگوش مردم رسیده بود، و این مبارزۀ مشروع تاکنون دوام دارد – حالا اگر کسی نام (فارسی) رابکار میبرد قابل انتقاد نیست، زیراکلمۀ (فارسی) نام دوم زبان (دری) است که حدود 500 سال بعد از ترویج آن در منطقۀ خراسان باستان، درکشور (فارس) ایجاد شده است، اما باریکی موضوع دراستعمال کلمۀ فارسی توسط افغانها است که بنظرمن، به تقویت سیاست تسلط فرهنگی ایران در افغانستان می انجامد.

درمورد کلمۀ (پوهنتون)،من قبلا دوبار درمقالات خود نوشته ام که جزء اول این کلمه (پوه) یک کلمۀ آریایی بوده ودر سانسکرت (دانستنی – آموزشی) معنی شده است – جزۀ دوم این کلمه (تون) پسوند مکان است درزبان پشتو- پس پوهنتون (جا یا محل آموختن ودانستن = دانش) معنی دارد و "دانش" یک کلمه مشترک دری/فارسی بوده، ما افغانها بمقابل استعمال "دانش" حساسیت نداریم، بلکه آنرا جزء زبان خود میدانیم- اما درکشوریکه دوزبان ملی وجود دارد، ما باید حق اولیت را به اصطلاحات زبانهای ملی خود قایل شویم، نه اینکه از اصطلاحات زبان کشورهمسایه تقلید کنیم که در آنصورت هویت افغانی خودرا ضعیف میسازیم، چنانچه به تحریک ایران کلمۀ (افغان) در تذکره به ماجراجویی انجامید وهنوزهم صداهایی شنیده میشود که نام افغانستان به (خراسان) تبدیل شود - زاید ازهزار کلمۀ دری درزبان پشتو جزء آن زبان شده وتاکنون از زبان یک پشتو زبان انتقاد یا استغاثه شنیده نشده است – مرحوم گل پاچا الفت که درامتحانات سالانه ازجانب دپارتمنت پشتو دعوت میشد ودرختم امتحانات تقریری همه استادان ومهمانان ازطرف رئیس پوهنتون برای صرف نان چاشت دعوت میشدند، درصحبتی که درآن مجلس پیرامون تساند وهمکاری بین دو زبان ملی صورت گرفت، مرحوم الفت گفت :"... ما پشتونها چارکلمه سواد را که یاد گرفته ایم ازخیرات زبان دری یاد گرفته ایم، زیرا درزبان پشتو کتاب و آثار علمی وجود نداشت..."

پشتو ودری دوخواهر زبان متولد از مادر زبان (اوستا) میباشند، هرگاه یک کلمۀ پشتو را که ریشۀ اوستایی دارد، درکشور مشترک به زبان دری اقتباس میکنیم، چرا این همه غوغا وحساسیت رخ داده است ؟ همه میدانیم که ایرانیها این حساسیت ها را خلق کرده اند – سید مخدوم رهین که مخدوم ومولود ایران است، وقتی در امریکا مهاجربود، باراول به تحریک ایران این ماجرا را درسال 1984 در رادیو تمیز درامریکا براه انداخت– اواصرار میورزید که کلمات (پوهنتون)، (پوهنحی)، (ولسی جرگه)، (مشرانوجرگه) و... باید از زبان فارسی افغانستان برداشته شوند وبعوض آنها (دانشگاه)، (دانشکده) و (مجلس) استعمال شود... ثبت این مصاحبه نزدمن موجود است . سید مخدوم رهین درمدت وزارت خود درافغانستان نام (فارسی) و اصطلاحات (فارسی) را بیشتر تشویق کرد ورواج داد – آقای داکتر روان فرهادی نیز بحیث سفیرخوجه ئین ربانی در ملل متحد سفارش کرد که باید درافغانستان ازکلمات واصطلاحات فارسی ایرانی (بشمول دانشگاه ودانشکده) کارگرفته شود. آقایان داکتر روان فرهادی وسید مخدوم رهین اگرچه بحیث مامورین عالیرتبۀ دولت ازتمام امتیازات مادی وسیاسی برخوردار بودند، اما نه تنها به هویت ملی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

کشورخود بی اعتنا بودند، بلکه وفاداری بیشتر به ایران داشتند. ایران هم به این دونفر بسیار زیاد شهرت وامتیازات اعطا کرده است. حامد کرزی یک"غول فرهنگی" بود و باین چیزها نمیفهمید، واگرچه بمقابل کلمۀ (دری) حساسیت نداشت، اما از زبان این "غول" درمدت 13 سال یکبارهم نام (دری) شنیده نشده است. درهمین مدت وطنفروشانی مانند پدرام به سردمداری (شورای نظار) تطق کردند وبه جنگ تبدیل اصطلاحات دامن زدند که تا امروز دوام دارد. ملتی که غذای کافی برای خوردن ندارد و دولک جوان آن نسبت فقر وبیکاری به اارروپا پناهنده شده، چند نفرجیب خود را ازطریق رشوتهای ایران پر کرده وبرای محبوب ساختن لهجۀ فارسی ایران و تعمیم اصطلاحات فارسی ایران کارمیکنند. مرکز تبلیغات ایران در شهر کابل (تلویزیون طلوع) میباشد که هیچ نطاق آن حق و اجازه ندارد نام (دری) یا (اخبار دری) را بزبان براند ! علاوتا این موسسۀ خبررسانی صلاحیت ایجاد و ترویج کلمات واصطلاحات نو(به تقلید از فارسی ایرانی) را نیزدرحالی بخود داده است که یک حکومت ملی و مسئول در افغانستان وجودندارد واز هرطرف چور چالان است.

عرض عاجزانۀ ما به هموطنان محترم بداخل وخارج افغانستان اینست که اصالت زبانهای ملی خود را حفظ کنند، و (فارسی) و اصطلاحات فارسی را بگذارند به کشور (فارس) که از 80 سال با ینطرف نام ایران رااختیار کرده است.

باعرض احترام.

سیدخلیل الله هاشمیان – 10 اپریل 2016

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ